

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای
صعود به قله دماوند

مؤلف:

علی مقیم

مؤسسه کتاب همراه

سرشناسه	: مقیم، علی، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: راهنمای صعود به قله دماوند/ مؤلف علی مقیم.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب همراه، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۸۰ ص.: نقشه: ۱۹ × ۸/۵ س. م.
فروست	: مؤسسه کتاب همراه؛ ۱۸۸: تربیت بدنی؛ ۲۱.
شابک	: ۹۶۴-۶۹۸۲-۸۲-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع	: کوهنوردی - ایران - کتاب‌های راهنما.
موضوع	: قله دماوند - کتاب‌های راهنما.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۹۵۸ الف // ۴۴ / ۱۹۹ GV
رده‌بندی دیویی	: ۷۹۶/۵۲۲+۹۵۵۲۲۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۰۳۷۱۳

شماره کتاب: ۱۸۸

همراه



راهنمای صعود به قله دماوند

مؤلف: علی مقیم

ویراستار: قربان ولی‌بی

ناشر: مؤسسه کتاب همراه

چاپ اول: فروردین ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آثار برتر چاپ

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان آزادی،

کوچه قائم مقام، شماره ۴۱، طبقه دوم

تلفن و دورنگار: ۶۶۹۰۱۲۹۶-۶۶۹۰۱۲۹۵

آدرس سایت: WWW.Hamrahbook.com

پست الکترونیکی: info@Hamrahbook.com

شابک: ۹۶۴-۶۹۸۲-۸۲-۴ ISBN: 964-6982-82-4

فهرست

دماوندیه	۴
مقدمه	۵
۱. پیشگفتار	۷
۲. پناهگاه‌ها و جانپناه‌های دماوند	۱۸
۳. یخچال‌ها و منابع آبی دماوند	۲۵
۴. برخی از آثار تاریخی اطراف دماوند ..	۳۱
۵. بیست نکته مهم در صعود به دماوند ..	۳۶
۶. تاریخچه صعود به دماوند	۴۷
۷. راه‌های صعود به دماوند	۶۱

دماوندیه

ای دیو سپید پای در بند
ای گنبد گیتی، ای دماوند
از سیم به سر یکی کله خود
ز آهن به میان یکی کمر بند
تا چشم بشر نبیندت روی
بنهفته به ابر چهره دل بند...
تو مشقت درشت روزگاری
از گردش قرن‌ها پس افکند...
نی نی تو نه مشقت روزگاری
ای کوه نی ام ز گفته خرسند
تو قلب فسرده زمینی
از درد ورم نموده یک چند
تا درد و ورم فرو نشیند
کافور بر آن ضماد کردند...

مقدمه

دماوند، با ارتفاع ۵۶۷۱ متر، قله‌ای منفرد و تنهاست که از یک سو چشم به جنگلهای سبز مازندران دارد و از سویی دیگر نظاره‌گر کویر بزرگ ایران است. دماوند دارای یخچالها و برفچالهای متعددی است که دور تا دور آن را پوشانده‌اند.

این قله در استان مازندران، بخش آبگرم لاریجان و در جناح شمالی دره رودخانه هراز قرار دارد و از شرق به دره وجاده معروف هراز و از جناح غربی در احاطه دشت ورارو و رودخانه دلیچای و دریاچه سد لار و از سمت جنوب نیز محاط به دره هراز در ناحیه آب اسک و پلور است. دماوند قله‌ای منفرد است که تنها از طریق یال شمال غربی آن، موسوم به یال سرداغ، به سایر ارتفاعات البرز مرکزی متصل می‌شود و از سایر جهات جغرافیایی کاملاً

باز و آزاد است. دهانه آتشفشانی قله کاملاً یخ زده است و تنها از گوشه شمالی آن، در تمام طول سال فوران گاز آتشفشان به صورت بسیار محدود به چشم می‌خورد. این قله از فواصل بسیار دور قابل رؤیت است. باد در روی قله از جناح جنوب غربی و غرب می‌وزد و در زمستانها بسیار پر برف است و هوایی طوفانی دارد. در کتابی که پیش رو دارید، پس از آشنایی با قله دماوند و عوارض طبیعی آن، به ارائه راههای صعود به این قله می‌پردازیم.

علی مقیم

پیشگفتار

دماوند در فرهنگ مردم

تقریباً بیش از $\frac{2}{3}$ از مساحت کشور ما را کوهستان فرا گرفته است. این پدیده طبیعی را می‌شود از جهات مختلف مورد مطالعه قرار داد. از نظر تاریخی، جغرافیایی، زمین‌شناسی، خاک‌شناسی، گیاه‌شناسی و سایر علوم، اطلاعات گرانبهایی از کوه به دست می‌آید. فرهنگ عامه، افسانه‌ها، داستانها و باورهای مردم کوه‌نشین هم موضوعات جالبی را در دسترس ما قرار می‌دهد. این قسم مطالعات بر عهده جوانان مشتاق کوه است که به هر جا قدم می‌گذارند ویژگیهای منطقه را بر حسب رشته تحصیلی خود مورد دقت قرار دهند و اطلاعات خود را در دسترس دیگران بگذارند.

رشته کوههای بلند البرز در تاریخ

طولانی کشور ما نقش عمده‌ای داشته است. در مناطقی که قله بلند و دره‌های عمیق رشته کوه البرز قرار دارد، دشمن کمتر به کشور ما هجوم آورده است. ولی از نقاطی مثل خراسان که بلندیهای کوهها کمتر است همیشه مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته‌ایم. در هنگام ورود اعراب به ایران، حصار سرفراز و بلند البرز، مدت دو قرن دستیابی کامل اعراب به گیلان و مازندران را به تأخیر انداخت.

معنای دماوند

دماوند مرکب از دو قسمت است: دما به فتح اول یا دما به کسر اول، و وند:

الف - دما: این کلمه به فتح دال به معنای دم و نفس است؛ چون بخارات و دودهایی از کوه دماوند بر می‌خاسته و بر می‌خیزد، بدین جهت بدین کوه دماوند گفته‌اند که مراد از آن کوه صاحب نفس و دم است. این صحیح‌ترین معنای کلمه دماوند است. چون تطابق واقعی با وضع این آتشفشان خاموش دارد.

اما کلمه دما به کسر دال در فرهنگها به معنای رودخانه است و اگر دماوند را به کسر

اول بگوییم، معنای آن دارای رودخانه می شود. چون به علل طبیعی (گرمای درونی این کوه و کمبود بارندگی در فلات ایران) رود معروف و بزرگی از این کوه جاری نیست، پس گفتن و نوشتن دماوند به کسر دال جایز نخواهد بود.

در برخی از کتب نوشته اند که به دلیل نزدیکی این کوه با شهرستان دماوند به این نام خوانده شده است. با توجه به وجه تسمیه دماوند، صفت صاحب دم و نفس را به شهری دادن درست نیست. باید گفت که شهرستان دماوند را به سبب نزدیکی به این کوه دماوند گفته اند. نام شهرستان دماوند در قدیم پشیان بوده که در صفحه ۲۰۱ از کتاب «نزهةالقلوب» اثر حمدالله مستوفی ذکر شده است.

ب - کلمه وند: این کلمه پسوند است و به معنی ظرف، صاحب و دارنده، در کلماتی از قبیل دماوند، الوند، دولت وند، دادوند به کار رفته است. در همه این کلمات این پسوند به معنای صاحب و دارنده است.

کلمه دماوند، به معنی دارنده دم است. در گذشته دماوند را مانند بسیاری از مظاهر طبیعی غیر قابل دسترسی و آن را مقدس

می‌پنداشتند و اگر کسانی به آن نزدیک می‌شدند به اعتقاد عامه مردم از بین می‌رفتند و خشم کوه آنها را می‌آزرد و احیاناً صعوبت مسیر و نبودن امکانات کافی منجر به از بین رفتن آنها می‌شد. با پیشرفت علوم مختلف و ورزش کوهنوردی، خارجی‌ان کنجکاو، در صعود به قله دماوند پیشگام شدند. البته کسانی هم بوده‌اند که در سالهای بسیار قدیم از دماوند یاد کرده‌اند و احیاناً ادعا کرده‌اند که به دماوند صعود کرده‌اند، ولی ادعای اکثر آنها توأم با اغراق و دور از حقیقت بوده است.

ابودلف که از زندگانی او اطلاعات زیادی در دست نیست، در سفرنامه خود موسوم به سفرنامه ابودلف چنین می‌گوید:

«دماوند کوه بسیار مرتفع و عظیمی است که در زمستان و تابستان قله آن پوشیده از برف است و هیچ‌کس نمی‌تواند بر فراز آن و یا نزدیک آن برسد. قله مزبور کوه بیوار-سف (بیوراسب) نام دارد و مردم آن را «مرج‌القلعه» می‌نامند و از گردنه همدان به چشم می‌بینند. وقتی انسان آن را از ری مشاهده می‌کند خیال می‌کند کوه بسیار به او نزدیک است و یک یا دو فرسخ فاصله دارد،

در صورتی که فاصله میان او و کوه سی و پنج فرسخ است. مردم عوام معتقدند که سلیمان بن داوود (ع) یکی از دیوان سرکش را که «صخرالمارد» یا (سنگ سرکش) نام دارد در آنجا زندانی کرده است. برخی دیگر عقیده دارند که شاه افریدون (بیوراسب) را زندانی کرده است. از دهانه غاری در این کوه دودی بیرون می‌آید که (عوام می‌گویند نفس او است و از این رو آتشی نیز در آن غار مشاهده می‌کنند). می‌گویند آتش چشمان اوست و خرخر و نفیر او نیز از غاز مزبور شینده می‌شود. من این موضوع را مهم تلقی نموده و خواستم شخصاً آنجا را ببینم. لذا در آنجا از کوه بالا رفتم و با سختی فراوان و خطر جانی خود را تا نیمه کوه رساندم. گمان نمی‌کنم هیچ کس از مکانی که من رسیدم بالاتر رفته باشد و خیال می‌کنم هیچ کس هم تا آن محل نرسیده است. در آنجا کوه را با دقت ملاحظه کردم و یک چشمه بزرگ صاف یافتم که اطراف آن را گوگرد سنگ شده فراگرفته بود و چون خورشید بر آن می‌تابید آن را مشتعل می‌ساخت و از آن آتش نمایان می‌شد.

ابودلف معتقد است که از این کوه صداهای مختلفی شنیده می‌شود که به واقعیت نزدیک نیست. او می‌گوید در نزدیکی این کوه معدنهای سنگ سرمه (آنتیموان) و کف نقره (مرتک) و سرب و زاج وجود دارد.

قزوینی و یاقوت حموی نیز از دماوند نام برده‌اند و از صعود بر آن سخن گفته‌اند. حتی امروزه هم مردمان مازندران بعضی مواضع و جایگاهها را به قهرمانان اسطوره‌ای نسبت می‌دهند (جمشید، فریدون، زال، سام، رستم). شاعر بزرگ فردوسی در شاهنامه خود نام دماوند را به نوعی آورده است و داستانهای خود را با دماوند و البرز پیونده داده است. در شاهنامه، البرز مسکن سیمرغ و دماوند محل زندان ضحاک، ذکر شده است، زیرا فریدون ضحاک را در غاری در قله دماوند محبوس کرد. البته در این محل غاری وجود ندارد ولی در ارتفاع ۴۴۰۰ متری دماوند، محلی به نام تخت فریدون هست که مردم معتقدند فریدون و کاوه آهنگر، ضحاک مار دوش را در این محل زندانی کرده‌اند.